



حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحاً جَمِيلاً﴾ (۲۸) وَإِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْراً عَظِيماً (۲۹) يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيراً (۳۰) وَمَن يَقْنُتْ مِنكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحاً نُؤْتِيهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقاً كَرِيماً (۳۱) يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِذْ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلاً مَّعْرُوفاً﴾ (۳۲)

تبیین معنای حبط عمل منافقین حدوثاً و بقائاً

چند نکته ای که مربوط به مطالب قبل بود عبارت از این است که درباره منافق و مانند آن فرمود: ﴿فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ﴾^۱ اگر کسی منافق بود حدوثاً و بقائاً معنای احبط یعنی «اظهر بطلان عمله» نه اینکه «ابطل عمله الصالح» زیرا کسی که آغاز و انجامش به نفاق گذشت او اصلاً عمل صالح نداشت تا خدا باطل کند بلکه عمل باطل او را اظهار کرد (این اصل اول) و اگر کسی ضعیف‌الایمان بود که در کنار منافقین نام برده شد و به مقدار ایمانش، عمل صالح داشت بعد - معاذ الله - به سوء خاتمه مبتلا شد اینجا ﴿فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ﴾ یعنی «اظهر بطلان عمله».

اگر کسی اول منافق بود بعد به حُسن عاقبت منتهی شد جا دارد که در آیه ۲۴ به عنوان غایت ذکر بفرماید که ﴿لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ﴾ اینکه سیدناالاستاد (رضوان الله علیه) پاداش برخی از منافقان تائب را ذکر می‌کند می‌فرماید این هدف است برای آن است که پایان این گروه به خیر و سعادت بود اگر کسی - معاذ الله - بدعاقبت باشد این لام، لام عاقبت است نه لام غایت، اگر کسی خوش عاقبت باشد کارش به توبه ختم بشود این لام، لام غایت است یعنی هدف است که فرمود خدا این کار را کرد تا پاداش خوب صادقین را به آنها بدهد (يك) و پاداش خوب منافقی که در اول، منافق بود بعد به حُسن عاقبت موفق شد و توبه کرد و مؤمن صالح شد را هم بدهد (دو) که فرمود: ﴿لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ﴾ که مقید به مشیئت کرد ﴿أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ﴾ این ﴿يَتُوبَ عَلَيْهِمْ﴾ باعث می‌شود که آن لام، لام غایت و هدف باشد حتی نسبت به منافق که حُسن عاقبت دارد ولی اگر - معاذ الله - کسی به سوء خاتمه مبتلا بود آن لام دیگر لام عاقبت است نه لام غایت نظیر آنچه درباره حضرت موسای کلیم (سلام الله علیه) آمده که آل فرعون او را گرفتند ﴿لِيَكُونُوا لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا﴾^۱ آل فرعون آن جعبه را از آب نگرفتند وجود مبارك موسی را نگرفتند نیروراندند تا دشمنشان بشود ولی عاقبت این کار، دشمنی با آنها شد این ﴿لِيَكُونُوا﴾ لام، لام غایت نیست لام عاقبت است. لذا سیدناالاستاد این جریان ﴿أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ﴾ را فرمود آن معصیتی که پایانش حُسن عاقبت باشد چون با مصلحت همراه است این لام، لام غایت است^۲ نظیر جریان حُرّ (سلام الله علیه) که این بالأخره مفسده در اول بود مصلحت در آخر عمر بود در يك زمان نبود تا گفته شود لام نمی‌تواند لام غایت باشد.

۱. سورة قصص، آیه ۸.

۲. المیزان، ج ۱۶، ص ۲۹۱.

سخت بودن فهم بعضی از موارد اسوه بودن پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم)

مطلب بعدی آن است که وجود مبارك پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) برای ما اسوه شد ما بعضی از معانی اسوه را می فهمیم فرمود همان طوری که من نماز می خوانم شما نماز بخوانید «صَلُّوا کَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي»^۱ این را ما می فهمیم حضرت خودش مناسك حج را انجام دادند فرمود: «خُذُوا عَنِّي مَنَاسِكَكُمْ»^۲ این را می فهمیم اما در بعضی از موارد، اینکه فرمود وجود مبارك حضرت اسوه است این یعنی چه؟ می بینید بعضی از مطالبی است که آن حضرت آورده و ما هنوز درست باور نکردیم فرمود: «النَّكَاحُ سُنَّةٌ فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي»^۳ این یعنی چه؟ آیا نکاح به معنای ازدواج و جمع شدن نر و ماده است اینکه در حیوانات هم بود و هست اینکه قبل از اسلام بود اینکه بعد از اسلام هم هست بعد از اسلام بین مسلمان ها هست بین یهودی ها هست بین مسیحی ها هست بین مشرکین هست بین ملحدین است پس این پیامبر چه چیزی آورده؟ فرمود من يك حرف تازه آوردم اجتماع مذکر و مؤنث را من نیاوردم این قبل بود بعد هست در مسلمان ها هست در كفار هست در ملحدین هست من چیز جدیدی آوردم به عنوان نکاح «النَّكَاحُ سُنَّةٌ» خب يك جوان چه دختر چه پسر سن ازدواجش باشد و ازدواج نکند این از سنت پیغمبر دارد اعراض می کند اول خود طلاب جوان باید این کار را انجام بدهند دانشجویان عزیز باید این کار را انجام بدهند بعد جامعه روشن بشود که نداشتن، ننگ نیست ما باید باور کنیم.

بیان مسئولیت روحانیت در تبلیغ دین

اگر کسی واقعاً می خواهد در حوزه بماند مرجع بشود یا استاد حوزه بشود کرسی تدریس داشته باشد این تمام آن دقایق و مرجع ضمیر رسائل و کفایه و اینها را باید خوب بلد باشد و بتواند تدریس کند اما اکثری عزیزان ما این چنین

۱. الانتصار في انفرادات الامامية، ص ۱۵۱ و ۱۵۲.

۲. الانتصار في مفردات الامامية (سید مرتضی)، ص ۲۵۴.

۳. جامع الاخبار، ص ۱۰۱.

نیستند مسئولیت اینها این است که در شهر و روستا به جای انبیا بنشینند فرمود پیامبران کارشان انذار مردم است ﴿مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ﴾^۱ فرمود: ﴿قُمْ فَأَنْذِرْ﴾^۲ بعد فرمود اینها باید بیایند حوزه‌ها متفقه بشوند مقداری علوم اسلامی را یاد بگیرند برگردند به شهر و روستایشان ﴿لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ﴾^۳ کاری که این طلاب و روحانیون می‌کنند حالا یا امام جماعت‌اند یا امام جمعه‌اند یا سخنران‌اند یا نویسنده‌اند در شهر و روستا کتاب می‌نویسند اینها به جای انبیا نشستند.

تبیین اهمیت مسئولیت روحانیت با تفسیر ﴿الْمَ يَا تِكُمْ نَذِيرٌ﴾

برای اینکه وقتی تبهکاری را به جهنم می‌برند ملائکه از آنها سؤال می‌کنند ﴿الْمَ يَا تِكُمْ نَذِيرٌ﴾^۴ این ﴿الْمَ يَا تِكُمْ نَذِيرٌ﴾ معنایش این نیست که مگر پیغمبر در خانه‌ات نیامده مگر امام در خانه‌ات نیامده مگر پیغمبران و ائمه (علیهم السلام) تک تک در خانه تک تک مردم می‌رفتند این عالمان دین این واعظان این مبلغان این نور چشمان امام زمان کار انبیا را می‌کنند؛ فرشتگان به این جهنمی‌ها می‌گویند مگر در فلان مسجد نبودی مگر پای سخنرانی فلان شخص نشستستی مگر این آقا از آیات قرآن نگفت مگر نگفت اهل بیت چنین گفتند؛ ﴿الْمَ يَا تِكُمْ نَذِيرٌ﴾. خب انسان به جایی می‌رسد که سخنرانی‌اش در مسجدها در منبرها در جماعت‌ها در نماز جمعه‌ها مورد احتجاج ملائکه قرار می‌گیرد این کم کار است! این ﴿الْمَ يَا تِكُمْ نَذِيرٌ﴾ مگر معنایش آن است که مگر پیغمبر در خانه‌ات نیامده یا معنایش این است که مگر در مسجد نشیدی، مگر فلان سخنران نگفت مگر فلان واعظ نگفت مگر فلان امام جماعت نگفت؟ این کم کار است انسان هم خودش را نجات بدهد هم جامعه را.

۱. سورة بقره، آیه ۲۱۳.

۲. سورة مدثر، آیه ۲.

۳. سورة توبه، آیه ۱۲۲.

۴. سورة ملک، آیه ۸.

بنابراین رسالت اصلی ماها که بخواهیم بعد از مدتی به مسئولیت‌مان برگردیم این است که اول تا آخر قرآن را به خوبی بدانیم یعنی هر جای قرآن را باز کردیم يك ترجمه رقیق و تفسیر روشنی بدانیم که غمانیم حالا تفسیرهای عمیق و اینها مطلب دیگر است ولی هیچ جای آیات قرآن برای ما مجهول نباشد یعنی اول تا آخر قرآن هر جا را باز کردیم کاملاً بدانیم اول تا آخر نهج‌البلاغه را بدانیم اما نه آن طوری که جناب ابن‌ابی‌الحدید می‌گوید من فکر نمی‌کردم کمتر از ده سال طول بکشد^۱ آن ابن‌ابی‌الحدید بود آن‌طور را از ما توقع ندارند اما همین معنای ظاهری یعنی هر خطبه‌ای را دیدیم بفهمیم، این وظیفه ماست.

اکرام نبودن زندگی سرمایه‌داری در نگاه اهل بیت (علیهم السلام)

این بحث دیروز را لابد مراجعه فرمودید حضرت فرمود اگر کسی متمکن بود سرمایه‌دار بود و سرمایه‌دارانه زندگی کرد باید بفهمد خدا او را اهانت کرده او را تحقیر کرد^۲ هم مسئولین ما باید جلوی تظاهر به ثروت را بگیرند هم ماها باید بدانیم که داشتن، کمال نیست این برهان علوی، برهان تام است خدا رحمت کند صدر المتألهین را! می‌فرماید قول معصوم، حدّ وسط برهان قرار می‌گیرد^۳ حالا برهان یا برهان عقلی است یا نقلی یعنی اگر ثابت شد که این حرف، حرف معصوم است مثل «کلّ متغیّر حادث» می‌تواند حدّ وسط برهان قرار بگیرد يك وقت می‌گوییم «العالم متغیّر و کلّ متغیّر حادث فالعالم حادث» این می‌شود برهان عقلی، يك وقت «هذا ما قاله المعصوم (علیه السلام) و کلّ ما قاله المعصوم فهو حقّ لا ریب فیه فهذا حقّ لا ریب فیه» قول معصوم بعد از احراز سند و متن می‌تواند حدّ وسط برهان قرار بگیرد خب حضرت فرمود این احترام نیست این شخص باید بداند مورد تحقیر خداست حالا ما تحقیر نکنیم ولی

۱. شرح نهج‌البلاغه (ابن ابی‌الحدید)، ج ۲۰، ص ۳۴۹.

۲. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۰؛ «أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهَانَ غَيْرَهُ حَيْثُ بَسَطَ الدُّنْيَا لَهُ».

۳. الحکمة المتعالیة (صدر المتألهین)، ج ۹، ص ۱۶۷ و ۱۶۸.

خودمان بپذیریم که متوسط زندگی کردن ننگ نیست شما شرح حال مرحوم علامه مجلسی و مرحوم مولی صالح مازندرانی که این اصول کافی را یعنی جلد اول و دوم و هشتم کافی نه فروع کافی را، در دوازده جلد شرح کرد که شرح خوبی هم است ملاحظه بفرماید شیخنا الاستاد مرحوم علامه شعرانی تعلیقه‌های خوبی، پاورقی‌های خوبی هم بر این دوازده جلد دارد این می‌خواست داماد مرحوم مجلسی بشود پدر به دخترش گفت که این طلبه وضع مالی‌اش ضعیف است عرض کرد پدر، نداشتن، ننگ نیست اینها شده دین اینها شدند حافظ دین ما کار نداریم که جامعه چطور است ما باید مسیر جامعه را عوض کنیم این دانشجویان عزیز باید مسیر جامعه را عوض کنند.

بررسی اسوه بودن پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) در نکاح و فهم آن

فرمود من يك حرف تازه‌ای در ازدواج آوردم من نمی‌خواهم نر و ماده با هم جمع بشوند من يك چیز تازه‌ای آوردم به نام نکاح، این سنت من است «النکاح سنتی» آن‌گاه به مردها فرمود شما عاقلانه با همسرانتان به سر ببرید ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾^۱ رفتارتان، گفتارتان، مضاجعه‌تان، مناکحه‌تان باید عقل‌پسند و نقل‌پسند باشد ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ کمک آنها باشید به خانم‌ها هم فرمود سکینت و آرامش منزل به عهده شماست^۲ فرمود این حرف‌ها را من آوردم وگرنه اجتماع نر و ماده به نام ازدواج عادی در کفار هم هست در غیر کفار هم هست در حیوانات هم هست من آنها را نیاوردم «النکاح سنتی» من يك چیز تازه آوردم و اگر کسی سن ازدواجش بگذرد و ازدواج نکند و دیر ازدواج بکند این اعراض از سنت پیغمبر است قهراً به حرام می‌افتد وقتی به حرام افتاد دیگر مسئول است بنابراین مسئله نکاح با حفظ شرایطش از بهترین امور زندگی است حالا يك مقدار مسئولین باید کمک کنند يك مقدار مردم،

۱. سوره نساء، آیه ۱۹.

۲. سوره روم، آیه ۲۱.

مسئولینی که مردمی‌اند مردمی که مثل مسئول‌اند دیگر بیگانه نیستند بنابراین باید دست به دست هم بدهند قسمت مهم به عهده خود جوان‌هاست که ادراک صحیح این است فرمود این سنت را من آوردم.

اجتهاد بودن پایه‌گذاری سنن حسنه در جامعه

نگاه کنید در اسلام دو اجتهاد است: يك اجتهاد است که قوانین کلی را که خدا در قرآن و ائمه (علیهم السلام) در روایات فرمودند کسی بعد از تحصیلات کامل از این قوانین، فروعی را استخراج بکند فروعی را به این اصول برگرداند اصولی را بر این فروع منطبق کند این همان اجتهادی است که در حوزه‌ها رایج است يك قسمت دیگر اجتهاد در سنت آوری است فرمود: «مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَ أَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۱ این «سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً» یعنی چه؟ یعنی - معاذ الله - بدعت بگذارید نه، معنایش این است که آن چیزهایی که من گفتم به مردم بگویید نه، معنایش آن است که ببینید جامعه چه چیزی کم دارد مطابق شرایط روز از آن اصولی که ما گفتیم استنباط کنید و آن جامعه را با آن سنت بیورانید. يك وقت است امام (رضوان الله علیه) می‌فرماید آخرین جمعه ماه مبارك رمضان راهپیمایی روز قدس است این سنت حسنه است اصل کمک کردن به محرومان و مظلومان چیز خوبی است جمع شدن چیز خوبی است اما حالا واجب نیست که انسان در روز معین برود ولی همه قرار بگذارند که يك روز با هم يك ملت محروم را کمک بکنند هفته وحدت این طور است هفته ولایت این طور است اینها سنت‌های حسنه است «مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً» یعنی ببیند نیاز جامعه چیست این نیاز را تحت آن اصول و قواعد کلیه مندرج بیابد بعد شروع بکند با هم کاری را انجام بدهند اگر چهارشنبه سوری است می‌شود سنت سیئه و اگر تظاهرات روز قدس است می‌شود سنت حسنه.

فرمود من سنتی آوردم به نام نکاح و گرنه ازدواج قبلاً هم بود الآن هم هست من که نمی‌خواهم نر و ماده کنار هم جمع بشوند من می‌خواهم کاری بشود که ﴿شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ﴾^۱ محقق نشود این ﴿شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ﴾ که بخش قبلاً گذشت چه بود شیطان چگونه شریک در ولد می‌شود خب کسی نامحرمی را ببیند شب در کنار بستر همسرش برود با همان شوق‌زدگی و ذوق‌زدگی هم‌بستر بشود این می‌شود «شارکهم فی الأولاد» برخی‌ها گفتند اگر عین نه ذمه، اگر عین غیر مخمس، مال حرام را مهریه زن قرار بدهد این می‌شود «شارکهم فی الأولاد» اینها را آمد جلوی‌اش را گرفته وجود مبارك حضرت امیر عده‌ای در محضرش نشسته بودند نامحرمی هم عبور کرد حضرت فرمود اگر نامحرمی از کنار شما عبور کرد آن‌که در منزل دارید مثل همین است به دنبال چه چیزی می‌گردید؟ يك دوره نهج‌البلاغه باید در دست همه ما باشد حالا لازم نیست کسی مثل ابن‌میثم یا مثل ابن‌ابی‌الحدید بفهمد این ترجمه ظاهری‌اش که مقدور همه ماست ما هر وقت مبتلا شدیم يك آیه را یا يك جمله نهج‌البلاغه بگوییم سخنرانی کنیم این‌که نمی‌شود حداقل این است که يك دور نهج‌البلاغه را مطلع باشیم هر جا را باز کردند از ما خواستند بتوانیم ترجمه‌اش را بگوییم آیات همین‌طور است روایات هم همین‌طور است باید مأنوس باشیم فرمود آن‌که در منزل دارید هم همین است به دنبال چه چیزی می‌گردید. فرمود اینها را من آوردم «النکاح سنتی» نه اجتماع مذکر و مؤنث خب آن وقت این باعث می‌شود فرزندان صالح پیدا می‌شود زندگی متعادل پیدا می‌شود.

۱. سوره اسراء، آیه ۶۴.

۲. نهج‌البلاغه، حکمت ۴۲۰.

انسان عاقل وقتی يك متظاهر به ثروت را نگاه می‌کند مترحمانه نگاه می‌کند نه معجبانه می‌گوید این بیچاره به دنبال چه چیزی است باطن بعضی از امور چیزی است که انسان نمی‌تواند بگوید يك وقت ما محضر حکیم فاضل تونی درس می‌خواندیم در حوزه تهران مرحوم حکیم فاضل تونی این جزء دانش‌آموختگان مرحوم جهانگیرخان قشقایی و حاج آخوند کاشی در حوزه علمیه اصفهان بود ما در محضرشان که درس می‌خواندیم ایشان فرمود برخی‌ها از علوم و معارف بهره می‌برند برخی‌ها بیگانه‌اند به يك سلسله امور متعفن عادت کردند بعد این قصه را گفت، گفت من طلبه رسمی مدرسه صدر اصفهان بودم زمان مرحوم جهانگیرخان قشقایی این مدرسه کنیفی داشت چاه فاضلابی داشت که هر سال مغنی می‌آمد و آن کنیف را تطهیر می‌کرد گفت من چند سال طلبه آن مدرسه بودم يك سال دیدیم که آن کنیف پاك‌کن سابقه‌دار نیامده بعد متولی گفت که چون او برای تطهیر این کنیف دستمزد بیشتری می‌خواست ما به او نگفتیم بعد از مدتی که توافق کردند با يك اجرت متعادل بیاید کنیف را تطهیر کند آن چرخ و دولاب را آورد دولاب همان بود که با آن با این طناب از چاه آب و امثال آن می‌گرفتند این چرخ‌ها را می‌گفتند دولاب، این دولابش را آورده و کارگرهایی که زیرمجموعه او بودند آورده حالا می‌خواهد این کنیف فاضلاب را پاك کند گفت حالا ما مواظبیم که او دارد چه می‌گوید گفت اینها را جمع کرده به اینها گفته که آدم باید کار بکند نان در بیاورد فکر نکنید که اینها - یعنی ما طلبه‌ها - دارند چه می‌گویند، گفت اینها دارند عمرشان را تلف می‌کنند شما کارتان را انجام بدهید خب کسی که دلیلش این بود که من اینجا چهل سال سابقه دارم چون چهل سال سابقه دارم من برای تطهیر این کنیف اولی هستم بعد به این زیرمجموعه‌هایش گفته که مشغول کارتان باشید نان در بیاورد اینها چه می‌گویند وقتشان را تلف می‌کنند، گفت به ما طلبه‌ها اشاره کرد! خب يك کنیف پاك‌کن به کسانی که به علوم الهی سرگرم‌اند می‌گوید اینها دارند وقت تلف می‌کنند! واقع مطلب را شما بخواهید بشکافید بعضی‌ها کنیف پاك‌کن‌اند یعنی به چیزی وابسته‌اند که باطنش

همان است غیر از این نیست چرا اگر کسی خواب ببیند که - جسارت است - پای او به مدفوع افتاده مال به دستش می‌رسد این تعبیر آن است چون باطن آن همین است اگر خواب ببیند که دستش به مدفوع رسیده یا پایش به مدفوع رسیده مدفوع انسانی که بدبوتر از دیگری است مال به دستش می‌رسد باطن آن همین است.

قناعت، راهکار بهره‌وری از سنت پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) در نکاح

انسان بدون اینکه کسی را تحقیر بکند يك سر و گردن بلندتر و آزادانه زندگی می‌کند با يك زندگی قانع هم به موقع ازدواج می‌کند هم به موقع پدر می‌شود هم به موقع مادر می‌شود هم «فائى اباهى بكم الامم»^۱ درست می‌شود هم طوری که خواسته نظام است انجام می‌شود هم راحت زندگی می‌کند فرمود من نکاح را آوردم من که اجتماع نر و ماده نیاوردم «النکاح سنتى فمن رغب عن سنتى فليس منى» بعد به ما فرمود: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾^۲ به او تأسی کنید این می‌شود مسیر زندگی پس تنها مسئله نظامی و سیاسی و اینها نیست چون این را قبلاً فرموده بعد در جریان مسئله نکاح و همسراری و اصول خانوادگی به دنبال آن مسئله ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ این را فرموده.

گسترده‌گی اسوه بودن پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) و محدود بودن بهره‌وران آن

مطلب بعدی آن است که وجود مبارك حضرت اسوه است لجميع الناس همان‌طور که در طلیعه بحث اشاره شد همان‌طور که درباره قرآن فرمود: ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ﴾^۳ اما بهره‌وران از این قرآن متقین اند ﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾^۴ اینجا هم حضرت اسوه برای جميع الناس است ولی بهره‌وران او کسی است که ﴿كَانَ يَرْجُوا

۱. الکافی، ج ۵، ص ۳۳۳.

۲. سوره احزاب، آیه ۲۱.

۳. سوره بقره، آیه ۱۸۵.

۴. سوره بقره، آیه ۲.

اللَّهُ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهُ كَثِيرًا^۵ اگر کسی اینها را در حدّ ضعیف داشت بهره ضعیفی می برد در حدّ متوسط داشت بهره متوسط می برد در حدّ عالی داشت بهره عالی می برد در تأسی به آن حضرت وگرنه آن حضرت اسوه است لجميع الناس و این اسوه بودن چون مطلق است در همه امور اسوه است چه در صوم و صلوات چه در نکاح و امثال ذلك الا ما خرج بالدلیل.

اختصاصی بودن بعضی از سنن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم)

آن ما خرج بالدلیل را در آیه پنجاه همین سوره که به خواست خدا بعد خواهد آمد فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أَجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ﴾ بعد چیزی که جزء مختصات حضرت است آن است که ﴿وَأَمْرًا مُّؤَمَّنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَّكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ افراد دیگر اگر بخواهند حلال باشد یا باید ملك یمین باشد یا متعه باشد یا نکاح دائمی، حضرت گذشته از این عناوین سه گانه هبه هم داشت که دیگر نه ازدواج دائم بود نه ازدواج موقت نه ملك یمین فرمود: ﴿خَالِصَةً لَّكَ﴾ اینجا دیگر جا برای اسوه نیست چون خرج بالدلیل نظیر وجوب تهجد، نماز شب و مانند آن وگرنه مادامی که دلیل بر اختصاص چیزی وارد نشد وجود مبارك حضرت اسوه است برای هر کسی اما ساده زیستی آن عصر، مخصوص خود آنهاست وجود مبارك امام صادق (سلام الله علیه) در عصری زندگی می کرد که وضع عامّه مردم روبه راه بود حضرت يك لباس خوبی، منزل خوبی داشت دیگران را هم می فرمود شما این گونه باشید. در کتاب وسائل این حدیث هست که وجود مبارك امام رضا (سلام الله علیه) يك خانه متوسط بهداشتی و خوب و متناسبی را به یکی از اصحاب داد گفت از آن منزل پدری بلند شو بیا اینجا گفت آن خانه قدیمی پدری من است فرمود خب هر کسی باید در عصر و مصری که زندگی می کند با شرایط آن

زندگی کند این روایت را با این تعبیر فرمود، فرمود: «ان كان أبوك أحمق ينبغي أن تكون مثله»^۶ حالا پدرت نمی فهمید چطور خانه بسازد تو هم باید همان طور زندگی کنی خب این تعبیر امام رضا (سلام الله علیه) نشان می دهد که در هر عصر و مصری برای هر نسلی يك زندگی معقول متوسط همان عصر کافی است نه اینکه حالا چون پیامبر آن طور در خانه گلی زندگی می کرد انسان هم همان طور زندگی کند نه، مثل خود ائمه این ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ در حقیقت همه اهل بیت منظورند یعنی این چهارده نفر اسوه اند حالا وجود مبارك امام رضا هم اسوه است در عصر خودش، امام صادق اسوه است در عصر خودش اینها خصوصياتی است که قابل تغییر و تبدیل است.

علت عدم استفاده رسول خدا از غنائم در گسترش زندگی

پرسش: ... پاسخ: آخر چون بعد از غنائم مقداری خواستند بهتر از دیگران زندگی کنند به مناسبت اینکه مثلاً همسر پیامبر هستند فرمود نه، این طور نیست حالا غنائم آمده است برای همه است این طور نیست که من سهم زایدی ببرم مرحوم علامه در تذکره نقل می کند که حضرت وقتی پیشنهادی به او دادند که مقداری از این غنائم را به ما بدهید رفتند کنار شتر مقداری كُرْك این شتر را روی انگشتشان گذاشتند گفتند فرمود: «ما لي من فيئكم هذه الوبرة الا الخمس»^۷ و بر همین كُرْك های شتر است این و بره هم مثل تمر و قمره این تاء، تاء وحدت است «ما لي من فيئكم هذه الوبرة الا الخمس» آنها توقع داشتند که حالا این همه غنائم آمده اینها زندگی بهتری داشته باشند فرمود نه، ما با دیگران فرق نمی کنیم مسئولین مقداری باید ساده تر زندگی کنند تا اینکه فقرا و محرومان نرنجند.

۶ . الکافی، ج ۶، ص ۵۲۵.

۷ . إعلام الوری، ص ۱۲۱.

پرسش: ... پاسخ: اصل تعدد ازواج حضرت مستحضرید که به جهت مسائل سیاسی بود خدا غریق رحمت کند مرحوم علامه عسکری را! در جلسه ای می فرمود شما این اعراب خشن را حالا عرب که شهرنشین است حسابشان جداست این اعراب آن روز را شما نمی شناسید این بزرگوار می فرمود اینها در حرم حضرت ابوالفضل ممکن است - معاذ الله - به نام خدا دروغ قسم بخورند ولی به ابوالفضل دروغ قسم نمی خورند این قدر برای وجود مبارك حضرت ابوالفضل احترام قائل اند با این وصف، اگر آن رئیس عشیره و قبیله دستور بدهد که این بقعه را باید خراب بکنید می کنند خب تعصب جاهلی چیز دیگر است تعصب جاهلیت عرب چیز دیگر است وجود مبارك حضرت برای رام کردن اینها از اقوام اینها از همه نخله ها از همه عشایر همسری گرفته که اینها بتوانند بر اساس این جهت آرام باشند و گرنه خودش در ۲۵ سالگی با همسر ۴۰ ساله ازدواج کرد بنابراین حضرت يك حساب دیگری داشت اصل ازدواجش برای این بود که آنها نشورند و آنها توطئه نکنند و آنها علیه اسلام آن تعصب جاهلی را به کار نبرند.

بیان امتحان بودن فقر و غنا در زندگی انسان

پرسش: ... پاسخ: بالأخره این يك حقیقت شرعیه ای نیست که انسان بگوید برابر حقیقت شرعیه زندگی ساده این است ما و بین خدایمان می دانیم ولی باید بدانیم داشتن، شرف و کرامت نیست و اگر در سوره مبارکه فجر فرمود آنها خیال می کنند که این کرامت است و ما هم برابر خیال آنها تعبیر به اکرام می کنیم این چنین نیست، اینها مبتلا به ثروت اند ﴿أَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ * وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ * كَلَّا﴾^۸ نه این اهانت است نه آن اکرام هر دو ابتلاست برخی به فقر مبتلایند بعضی به ثروت مبتلایند این مبتلا به ثروت است یعنی ممتحن ما اگر رشد فکری ما و نظام ارزشی ما به این باشد که داشتن، کمال نیست آن وقت کسی

که خانه خوبی دارد فرش خوبی دارد اتومبیل خوبی دارد ما او را حالا لازم نیست تحقیر کنیم ولی به چشم احترام نگاه نمی‌کنیم اگر جامعه ما اینها را با چشم احترام نگاه نکند او برای چه حالا با این اتومبیل پُر بدهد وقتی می‌بیند هر کس می‌آید با روی تُرُش کرده او را نگاه می‌کند او حسابش را جمع می‌کند یا چنین اتومبیلی را وارد نمی‌کند یا سوار نمی‌شود جامعه باید بداند این کَرَم نیست این دیگر بیانات روشن علی و اولاد علی (علیهم السلام) است قرآن که ریشه این حرف‌هاست فرمود: ﴿كَلَّا﴾ بعضی‌ها مبتلا به اتومبیل خوب‌اند بعضی‌ها مبتلا به پیاده‌روی‌اند این ابتلاست آزمون است.

ضرورت مدیریت عاقلانه جامعه در کلام علی (علیه السلام)

اگر ما فهمیدیم که این است ما تلاش و کوششمان را می‌کنیم که راحت زندگی کنیم يك رفاه نسبی، هر چه شد به همان اندازه قانعیم تلاشمان را می‌کنیم و خدا هم وعده داد به این شرط که آن کسی که بیده عَقْدَة النظام است او هم عاقلانه تدبیر بکند «هیت» منطقه‌ای است که عده‌ای در آنجا زندگی می‌کردند و وجود مبارك حضرت امیر این کمیل را مسئول آن منطقه کرد در دستگاه اموی يك عده آمدند و غارت کردند و بساط او را به هم زدند وجود مبارك حضرت امیر نامه‌ای نوشته که این نامه در نهج‌البلاغه هست به کمیل گفت که من این مأموریت را دادم امکانات دادم مأمور نظامی دادم نیروی مسلح دادم تو نتوانستی از آن منطقه دفاع بکنی^۹ یعنی برخی‌ها فقط به درد دعای کمیل می‌خورند به درد سِمت و شغل نمی‌خورند با اینکه کمیل از اصحاب خاصّ حضرت بود حضرت دست او را گرفته از مسجد کوفه به بیرون برده آن مطالب عالیّه را فرموده، مگر هر کسی می‌تواند شهرش یا روستایش یا کشورش را اداره کند مدیریت و درایت يك نعمت الهی است.

شرایط بهره‌مندی از شرافت زندگی همسران با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)

غرض این است که هم آنها باید توجه داشته باشند هم ما، ما بدانیم پیغمبر (علیه و علی آله آلاف التحية و الثناء) نکاح آورده نه اجتماع مذکر و مؤنث فرمود: «النکاح سنّی فمن رغب عن سنّی فلیس منّی» آن وقت درباره زن‌ها فرمود اینجا که باشید بیت من اصول دین است توحید است، وحی و نبوت است و معاد. اگر اصول دین اینجا است و در سایه اصول دین، فروع هم تأمین است شما به اصول دین معتقد، به فروع دین عامل باشید پادشاهان دو برابر است فرمود اگر کسی اینجا بیاید اصول و فروعش تأمین است این عبارت را ملاحظه بفرمایید: ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ﴾ این توحید، ﴿وَرَسُولَهُ﴾ نبوت، ﴿وَالدَّارَ الْآخِرَةَ﴾ این معاد، این اصول سه‌گانه دین را داشته باشید عمل صالح را بکنید هم حسنه دنیا هم حسنه آخرت دارید ﴿فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ صرف ارتباط با ما شرف نمی‌آورد اگر شرایط را رعایت کردید زمان و زمین و بیت این سه عنصر، شرف‌آور است اگر شرایط را رعایت کردید زمان، شرافت‌آور است می‌بینید اگر در شهر حُرّم اگر کسی جنایت کرده به احترام این زمان محترم دیه‌اش بیشتر است در حرم جنایت کرده به احترام آن زمین محترم جرمش بیشتر است در بیت نبوت اگر کسی جنایت کرده به احترام آن بیت جرمش دو برابر است.

علت دو برابر شدن کیفر همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

فرمود اینجا خانه عادی نیست يك سنگ و گل نیست اگر کسی - خدای ناکرده - معصیت کرده این ﴿يُضَاعَفُ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ﴾ دو برابر دیگران برای اینکه هم آن گناه را کرده هم حرمت بیت را نگه نداشته چرا گناه در حرم بیشتر است چرا گناه در شهر حُرّم بیشتر است به همین مناسبت که زمان و زمین به برکت وحی، محترم می‌شود اینجا هم به برکت بیت نبوت حرمت خاص دارد به همین مناسبت اگر کسی نماز در مسجد الحرام بخواند هیچ نمازی معادل آن

نیست بعد از آن، نماز در مسجدالنبی (صلی الله علیه و آله و سلم) است عبادت در مسجدالحرام معادل ندارد بعد عبادت در مسجدالنبی معادل ندارد اینجا هم فرمود اگر شما رعایت بیت را انجام دادید ﴿وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحاً نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ﴾.

بطلان توهم سه برابر شدن کفر همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

برخی ها خیال کردند که ﴿يُضَاعَفُ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ﴾ یعنی سه برابر عذاب دارد چرا، برای اینکه يك کفر که برای خود گناه است ﴿ضِعْفَيْنِ﴾ یعنی دو برابر آن، خیال کردند ضعفین به علاوه اصل کفر که می شود سه کفر،^{۱۰} در حالی که به قرینه ﴿مَرَّتَيْنِ﴾ این ﴿ضِعْفَيْنِ﴾ یعنی يك اصل و يك معادل آن که جمعاً می شود دو برابر نه اینکه دو برابر به علاوه اصل کفر به قرینه این ﴿مَرَّتَيْنِ﴾ آن ﴿ضِعْفَيْنِ﴾ مشخص می شود بعد فرمود: ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ﴾ هیچ گناهی نظیر گناه در اشهر حُرْم نیست هیچ گناهی نظیر گناه در حرم نیست هیچ گناهی هم شبیه گناه اعضای بیت نبوت نیست ﴿لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنَّ اتَّقِيْتُنَّ﴾ اگر باتقوا بودید پاداشتان دو برابر است اگر - معاذ الله - بی تقوایی کردید کیفرتان دو برابر است.

پیامدهای انحصار علوم دانشگاهی در معارف تجربی

در فضای علوم تجربی این را ملاحظه فرمودید اینها دو مشکل جدی دارند یکی در معرفت شناسی گرفتار حس و تجربه اند یکی در کارآمدی و کارآیی همان حس و تجربه را به عمل می نشانند گرفتار تجربه اند پس اینها علماً در محدوده حس و تجربه، عملاً در محدوده حس و تجربه به سر می برند آن وقت مطالب تجریدی برای اینها نوبر است به زحمت می فهمند و به زحمت باور می کنند شما اگر بگویید کسی که به نامحرم نگاه می کند و طمع می کند قلبش مریض

۱۰. ر. ک: جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۲، ص ۱؛ ر. ک: مجمع البیان، ج ۸، ص ۵۵۵ و ۵۵۶.

است این متوجه نمی شود. در این سال ها کم نشنیدید همایش های عمیق علمی که برای درمان بیماری های مشترک بین انسان و دام در این مملکت تشکیل شده اینها خیال می کنند انسان، حیوان ناطق است جانوری است حرف می زند بیماری های انسان با بیماری های دام یکی است درمان انسان با درمان دام یکی است اگر بخواهند انسان را معالجه کنند جواب را باید از آزمایشگاه موش بگیرند اینها خیال می کنند انسان، حیوانی است که حرف می زند اگر به اینها بگویید کسی که به نامحرم نگاه می کند و طمع می کند مریض است یا نمی فهمد یا انکار می کند اما وقتی انسان به عنوان حیّ متّالّه نه حیوان ناطق، تفسیر شد گذشته از علوم حسی و تجربی يك علوم تجربیدی را هم به همراه دارد و آن گاه معلوم می شود که مرض فرق می کند، طب فرق می کند، بهداشت فرق می کند، درمان فرق می کند فرمود پیامبر! اگر رقیق حرف زدید یعنی به لحاظ معنا رقیق باشد و دل انگیز، مشکل دارید به لحاظ کیفیت ادای کلمات دل انگیز باشد مشکل دارید جمع بین هر دو باشد بیشتر مشکل دارید اگر رقیقانه سخن گفتید ﴿فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ﴾ معلوم می شود این مرض است.

عواقب اعراض جوانان از سنت نبوی ازدواج

اگر کسی جوان باشد از نکاح هم - معاذ الله - اعراض بکند این دو مشکل دارد یکی از سنت پیامبر اعراض کرده یکی اینکه مبتلا می شود به این مرض خواه و ناخواه بالأخره این غریزه مثل گرسنگی است این نه از آن طرف بد است نه از این طرف خوب است حالا اگر کسی گرسنه بود و دنبال غذا بود این بد نیست این خاصیت طبیعی اوست اگر کسی جوان بود و دنبال ازدواج بود این شرارت و معصیت نیست این يك امر طبیعی است.

«و الحمد لله ربّ العالمین»